

# ملاصدرا و حکمت متعالیه

که علم خود را از برهان درخشان قدسی و الهام کامل الهی به دست آورده باشد علم او زایل نمی شود» (ص ۳۸۱).

■ در مقاله کارل. و. ارنست C.V.Ernst نقل قول های ملاصدرا از عرفا به صورت آماری احصاء شده که پیداست از همه بیشتر رجوع به ابن عربی و شارحان او است. البته به غزالی و علاءالدوله سمنانی نیز اشاره شده است (۵۵/۱). در اینجا باید یادآوری کرد که اگر صرفاً به فهرست اعلام اسفار (چاپ نه جلدی) اکتفا شود در آن فهرست استقصاء به عمل نیامده، وانگهی ملاصدرا همیشه به نام اشخاص اشاره نمی کند. با این حساب به گمان من ارجاعات ملاصدرا به شارحان ابن عربی و خود او خیلی بیشتر است. در همین مقاله حکمای مورد اشاره در اسفار نیز احصاء شده که نقل قول از اثولوجیا (منسوب به ارسطو و در واقع از نوشته های مکتب نوافلاطونی) ۱۸۸ مورد از خود ارسطو، ۵۵ مورد از افلاطون، ۱۳۳ مورد از اسکندر افرویدیسی، ۶۷ مورد... و بین حکمای اسلامی از ابن سینا ۷۶۷ مورد، از سهرودی ۲۸۳ مورد، از فخر رازی ۱۹۵ مورد، از نصیرالدین طوسی ۱۶۰ مورد، از دوانی ۱۵۳ مورد، از میرداماد ۷۳ مورد... نام برده است. (۵۷/۱) در اینجا هم عین نکته قبلی قابل تکرار است. زیرا ملاصدرا همه جا نام اشخاص را نیاورده در حالی که نظریاتشان را گاه به عین عبارت نقل کرده است و بعضی از همین جهت وی را به نوعی انتحال یا سرقت ادبی متهم کرده اند که در مقاله اینجانب در همین مجموعه به این نکته اشاره شده است. (۹۴/۱)

■ عنوان مقاله علیرضا ذکاوتی قراگزلو در این مجموعه «سیری در نقد افکار ملاصدرا طی چهار قرن اخیر» است که در چهارده صفحه چاپ شده (ج ۱، ۱۰۶-۹۳). البته همین موضوع را می توان بسط داد و رساله ای از آن بیرون آورد.

■ مقاله دورنمایی از زندگانی صدرالمتألهین شیرازی به قلم استاد علی دوانی نکات ارزنده ای در احوال ملاصدرا و خانواده اش دارد. از جمله تازه های این مقاله آن است که هفت سفر ملاصدرا به حج درست نیست و ملاصدرا ظاهراً در راه اولین سفرش به مکه نرسیده در بصره وفات یافته و در نجف مدفون شده است. چنانکه شعر عبدالرزاق لاهیجی شاگرد و داماد ملاصدرا بر این نکته دلالت دارد:

از همایش جهانی ملاصدرا (اوایل خرداد ۷۸ - تهران) که با تمهیدات چندساله و تبلیغات فراوان برگزار شد، آنچه تاکنون به دست عموم خوانندگان می رسد دو مجلد مقالات گزیده فارسی است (که البته چهار مقاله از انگلیسی و یک مقاله از عربی ترجمه شده) و جمعاً ۶۴ مقاله می شود. از جمله اهداف این همایش معرفی حکمت متعالیه به جهان غرب بود که باید منتظر بازتاب های آن در آینده شد. به هر حال مجموعه حاضر برای خواننده متوسط و حتی متخصص سودمند است و دست کم ایرانیان اهل مطالعه را به پژوهش در اندیشه های صدرایی مشتاق تر می سازد.

با آنکه مقالات گردآوری شده در این دو مجلد قاعداً منتخب است و از میان تعدادی چند برابر این تعداد گزیده شده، بین این مقالات نیز بعضی برجسته تر است که به لحاظ معرفی مضامین تازه و یا با تقریر تازه به برخی اشاره می کنیم و خوانندگان را به اصل کتاب ارجاع می دهیم.

■ آلب ارسلان آچیک گنج (Alparslan Acikgence) «اسفار اربعه» را با مباحث اصلی فلسفه تطبیق کرده: سفر اول (من الخلق الی الحق) = وجودشناسی، سفر دوم (فی الحق بالحق) = جهان شناسی، سفر سوم (من الحق الی الخلق) = کلام و الهیات، سفر چهارم (بالحق فی الخلق) = انسان شناسی و معادشناسی (۸/۱) که توجیه معقولی است و نیز رک: ج ۱ ص ۵۴.

■ هرمان لندلت (Herman Landolt) در مقاله فهم هانری کوربن از ملاصدرا به نکات مهمی اشاره می کند: ما بعدالطبیعه انقلابی ملاصدرا (۲۴/۱) توجه خاص به شرح و تعلیقات ملاصدرا بر حکمة الاشراف سهروردی، و بالاخره تأکید کوربن بر معادشناسی شیعه طبق بیان ملاصدرا. رویکرد شیعیانه خاص ملاصدرا در شرح اصول کافی هویدا است (۲۵/۱). کوربن برخلاف دیگر مستشرقان، اروپا محور نیست و کار فلسفه اسلامی را با غزالی و ابن رشد پایان یافته نمی انگارد (۲۶/۱).

■ در مقاله علم و علما از نظر ملاصدرا به نقل از شرح اصول کافی ملاصدرا آمده است: «کسی که علم خود را از طریق روایت یا شنیدن، با واسطه یا بی واسطه گرفته باشد، عالم حقیقی نیست، چراکه ممکن است نسبت به علم خود دچار شک و شبهه شود... اما کسی



● ملاصدرا و حکمت متعالیه  
● بنیاد حکمت اسلامی صدرا علیرضا ذکاوتی قراگزلو  
● چاپ اول، ۱۳۸۰

به هر حال نظریات ملاصدرا در این مسئله مثل خیلی موارد دیگر تلفیقی است. او صلح کلی بوده و می‌خواسته مهم‌امکن جمع کند نه طرد! چنانکه در مورد مثل افلاطونی، میان اشراقیون و مشائیون پل زده است.

■ بحث مثل افلاطونی از نظر صدرالمتألهین را خانم زهرا مصطفوی نوشته‌اند (ج ۳ صص ۱-۲۳) و نیز رک: ج ۲ صص ۴۶۲-۱۴۳.  
■ تحلیل انتقادی مسئله اصالت وجود عنوان مقاله سیدیحیی یثربی است (ج ۲ صص ۲۷-۴۸). به نظر این نویسنده مبانی معرفت شناختی اصالت وجود و اصالت ماهیت یکسان است، حال آنکه از لحاظ عرفانی ادراک مسائل وجود، و رای حس و عقل است (۲-۴۵). تفاوت دیگر این است که هدف عارف فنای نفس است ولی حکیم صدرایی مطلوبش حقایق وجودی دنیوی و اخروی است (۲/۴۷). به نظر آقای یثربی اصالت وجود عرفانی راهگشا و کارساز است نه اصالت وجود صدرایی (۳/۴۴ و ۴۴).

■ مقاله ابراهیم کلین Ibrahim Kalin تحت عنوان دیدگاه ملاصدرا درباره حرکت در مرز فیزیک و ماوراءالطبیعه (ج ۲ صص ۱۴۲-۱۱۹) موضوع جالبی دارد و نتیجه می‌گیرد ملاصدرا فاصله فیزیک و ماوراءالطبیعه را کم کرده است (۲/۱۴۳).

■ سلمان البدور اردنی مبحث وجود ملاصدرا را موشکافی کرده (۲/۲۱۰-۱۸۷).

■ علی ربانی گلپایگانی بحث کلامی حدوث جهان را از دید ملاصدرا حلاجی نموده (۲/۲۳۴-۲۱۱).

■ سیدحسین موسویان می‌نویسد: ملاصدرا بحث حدوث را از مطلب هل [= آیا هست؟] به مطلب ما [= چیست] برده، زیرا دشواری تصدیق به حدوث از دشواری تصور آن است (۳/۲۴۹).

■ بحث کلامی علم واجب الوجود از دیدگاه صدرالمتألهین نوشته احمد بهشتی دقیق است با ارجاعات مفید (ج ۲ صص ۳۲۹-۳۰۷) و نیز (رک ج ۲ صص ۹-۳۶۳).

■ دو مقاله حکمت مدنی در نگاه صدرالمتألهین و جایگاه سیاست در منظومه فکری ملاصدرا علی‌رغم عنوان دهان پرکن چیزی ندارد جز اینکه ملاصدرا از عالمان دنیا پرست و قدرت‌گرا ناراضی بوده است (۲/۸۲).

زان پیشتر که جسم ره کعبه طی کند  
شوقش به وصل کعبه جانها رساند راست  
در راه کعبه مرده و آسوده در نجف  
ای من فدای خاک تو این مرتبت کراست؟

■ گفتار حکمت متعالیه صدرالمتألهین نوشته آیت الله جوادی آملی که مکرر چاپ شده، در اینجا نیز آمده است (ج ۱، صص ۲۰۸-۱۸۳). و تقریری است ارزنده در تحلیل ماهوی حکمت صدرایی و تطبیق آن با تطور روحی آن حکیم عارف. نکته مهم این مقاله این است که ملاصدرا اسفار را همزمان با چند کتاب و رساله با هم می‌نوشته است (ج ۱ صص ۲۰۵).

■ مقاله مبانی فلسفی صدرالمتألهین نوشته فرح رامین بیان مختصر و مفیدی است از مهم‌ترین نظریات حکیم که خوب بیان شده است (ج ۱ صص ۲۲۶-۲۰۹).

■ مقاله الیور لیمن Oliver Leaman تحت عنوان «وجود عینیت خیال در فلسفه اسلامی» بحث عالمانه‌ای در موضوع مجرد خیال است (ج ۱ صص ۲۶۵-۲۴۳).

■ مقاله تبیین وجودی زمان در نظام فلسفی صدرالمتألهین نوشته رضا اکبریان عالمانه و دقیق به قلم آمده است. همچنین است مقاله حرکت جوهری از همین نویسنده (ج ۱ صص ۳۸۸-۳۶۹ و ج ۲ صص ۲۷۸-۲۵۱).

■ در مقاله روح افلاطونی در فلسفه ملاصدرا نوشته آیت الله سیدمحمد خامنه‌ای درباره اطلاعات کلمه روح و نفس بحث شده، و اینکه نظریه جسمانی‌الحدوث بودن نفس انسانی با تقدم روح بر بدن (طبق بعضی روایات) چگونه جمع می‌شود.

ملاصدرا یک مرتبه حسی و نفسی و یک مرتبه عقلی برای انسان قائل است و قبلیت روح بر بدن را جز با نور نبوت قابل وقوف نمی‌داند (۱/۳۹۲).